

شبکه‌ها و فاعل: فرصت‌ها و چالش‌ها

در یک نگاه اولیه، چشم انداز دولتمداری کرد هیچ وقت تا به این اندازه مساعد به نظر نیامده است. حضور خارجی در کردستان عراق از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس، از جمله تاسیس یک حوزه امن توسط نیروهای ائتلاف، موجب آن شد که یک حکومت محلی کرد تاسیس شود و کردهای عراق پس از دوازده سال خودمختاری سیاسی به نهادینه ساختن یک نظام خودگردان در شمال عراق نائل آیند.

دگرگونی‌های حاصل در هنجارهای بین‌المللی، فعالیت سازمان‌های غیردولتی جهانی و حضور شبکه‌ای از یک رشته مجامع مهاجر سیاسی و متنفذ کرد در نقاط مختلف جهان در پیشبرد اندیشه دولتمداری کرد تأثیر به سزایی داشته است. این فرایندهای ماوراء ملی، در کنار محدودیت‌های موجود در قبال جوامع کرد در موطن آنها، موجب تسهیل تردد و ارتباط میان جوامع مختلف کرد شده است. کردستان خودمختار عراق به کانون انبوهی از سازمان‌های ماوراء مرزی کرد، احزاب سیاسی، نشریات و شبکه‌های جدید ارتباطی تبدیل شده که همگی به نوعی در توسعه ناسیونالیسم کرد در عراق و دیگر حوزه‌های همسایه مؤثر بوده‌اند. با این حال نگاهی دقیق‌تر به ماهیت این شبکه‌های فراملی از چشم‌انداز نه چندان مساعدی برای دولتمداری کرد نیز حکایت می‌کند. اگر چه

این پدیده فراملی، بسیج کردها را بر یک محور قومی - ملی را تسهیل کرده است ولی در عین حال پروژه ناسیونالیستی کرد را با معضلات جدیدی هم روبرو ساخته است. شکل‌گیری مجموعه‌ای از مجامع مهاجر کرد در کشورهای مختلف با نظام‌های سیاسی متفاوت، باعث آن شده است که بسیج ناسیونالیستی کردها نیز جهات متفاوتی به خود گیرد. علاوه بر این، فرصت‌های فراملی هم از افق محدودتری برخوردارند و هم لزوماً جهات سیر متقارنی ندارند. برخی از گروه‌های کرد از حمایت سیاسی و بشردوستانه جهانی برخوردار شده‌اند و برخی نیز از نقطه‌نظر جهانی در انزوا باقی مانده‌اند. علاوه بر این شبکه‌های فراملی با فرصت‌های موجود در چارچوب‌های دولتی در تعارض قرار گرفته و مانع از بسیج ناسیونالیستی در داخل کشور می‌گردند.^۱

به دلیل محدودیت‌های حاکم بر کردهای ایران و ترکیه فرصت‌هایی که برای کردهای عراقی جهت صدور شبکه‌های ماورا ملی خود به حوزه‌های خودمختار خودشان فراهم بوده، برای مجامع مهاجر کردهای ایران و ترکیه میسر نبوده است و در نتیجه به جای یک ناسیونالیسم پان کردی واحد با مجموعه‌ای از پروژه‌های ناسیونالیستی کرد مواجه شده‌ایم که در فراسوی مرزهای دولتی شکل گرفته‌اند.^۲

شبکه‌های ماوراء ملی در سیاست‌های کردی

فراملی گرایی در سیاست‌های ناسیونالیستی کرد، پدیده جدیدی نیست. از سرآغاز تلاش‌های کردها برای تشکیل دولت، شبکه‌های فرامرزی در گسترش بسیج‌های ناسیونالیستی کرد نقش داشته‌اند. هم حزب دموکرات قاضی محمد در ایران و هم حزب دموکرات سعید ایلچی در ترکیه - هرچند به نحوی گذرا - از ملامصطفی بارزانی و حامیان سنتی‌اش در حزب دموکرات کردهای عراقی بهره‌مند بوده‌اند.

ناسیونالیست‌های چپ‌گرای کرد عراق به رهبری ابراهیم احمد و جلال طالبانی با همتایان چپ‌گرای خود در بخش‌های شهری مناطق کردنشین ایران و ترکیه ارتباط داشته و بدین طریق در کنار - و در رقابت با - گرایش عشیره گرایانه کردی، نوعی ناسیونالیسم متجدد را تبلیغ می‌کنند. عبدالله اوجالان رهبر تحت بازداشت حزب کارگران کردستان (پ‌ک‌ک) که در سال ۲۰۰۱ کادک و در ۲۰۰۳ «کنگره خلق کردستان» نام گرفت، تشکیلات مخفی خود را در سوریه بیش از ۲۰ سال برقرار نگاهداشت. حتی پس از بازداشت او نیز پ‌ک‌ک کماکان در حوزه خودمختار کردستان عراق مامن خود را حفظ کرده و به پیشبرد اهداف خود ادامه می‌دهد.

با این حال شبکه‌های فراملی‌ای که پس از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس پدیدار شده‌اند، در قیاس با اتحادهای فرامرزی پیشین میان گروه‌های ناسیونالیست کرد و حکومت‌های مرکزی از پیچیدگی بیشتری برخوردارند. این شبکه‌ها مجموعه‌ای از حمایت‌های مالی، سیاسی و نظری از طرف سازمان‌های غیردولتی، مؤسسات کمک‌رسانی و گروه‌های مهاجر را فراهم آورده است که مجامع کرد می‌توانند از طریق آنها، با نگرانی کمتر از سرکوب و به صورتی نسبتاً مستمر خواسته‌های ملی خود را بیان کنند.

دسترس به ساختار دموکراتیک کشورهای میزبان این گروه‌ها و کمک‌های گسترده دولت‌های اروپایی باعث رونق برنامه‌های آموزشی و فرهنگی کرد شده است که در میان آنها می‌توان به ترتیب انتشار نشریات کردی و کتب درسی، برگزاری کنسرت‌های موسیقی و کنفرانس‌های آکادمیک و تاسیس مؤسسات فرهنگی و نظام‌های پهن‌شرفته ارتباطی اشاره کرد. برای مثال انستیتوی کرد پاریس و مرکز مطالعات کرد NAVEND در بن موفق شده‌اند که مجامع گوناگون کرد را تحت یک گروه واحد ناسیونالیستی گرد آورند. ایستگاه‌های تلویزیونی کردی و نظام‌های ارتباطی ماهواره‌ای نیز در گسترش ناسیونالیسم فرامرزی کردی مؤثر بوده‌اند.



اگر چه شکل‌گیری یک جامعه مهاجر کرد در بروز یک احساس واحد کرد بودن تأثیر داشته ولی اندیشه دولت کرد به همان حوزه ارتباطی محدود است. در واقع ناسیونالیسم جوامع مهاجر کرد با توجه به موقعیت دور افتاده آنها در جوامع باز، ولی در عین حال نژادگرای اروپایی، بیشتر به نوعی ناسیونالیسم از راه دور بدل شده است. بسیاری از کردهای مهاجر خود را نخست کرد می‌دانند و نه شهروند اروپایی یک جامعه ما بعد ناسیونالیستی. با این حال حتی در میان گروه‌های مهاجر کرد نیز - لاقلاً در عرصه سیاست‌های عمومی - اندیشه یک کردستان بزرگ، اندیشه غالب نیست.

تعریف یک قلمرو جدید برای ناسیونالیسم کرد

در حالی که گرایش به سمت عبور از ناسیونالیسم، پاره‌ای از پروژه‌های کرد را فاقد قلمرو ساخته است، ولی در عین حال برای برخی از این پروژه‌ها قلمروهای جدید تعریف کرده است. پروژه‌های ناسیونالیستی کرد به قسمتی از یک مجموعه پیچیده از شبکه‌های ماوراء ملی اجتماعی تبدیل شده است که در آن بازتولید فرهنگی در مهاجرت با سیاست‌های ملی‌گرای قومی در وطن پیوند خورده است. این رشته جزر و مدهای جهانی فرهنگ باعث آن شده است که هویت‌های محلی اهمیتی خاص یافته و گرایش‌های جاری در زمینه جهانی شدن و قلمروزدایی تا حدودی تحت‌الشعاع قرار گیرند.^۲

علاوه بر این مهاجرت مجامع کرد به اروپا، با پراکنده ساختن آنها در گستره‌ای از مرزهای مختلف، عرصه‌های سیاسی‌ای را که می‌تواند زمینه بسیج ناسیونالیسم کردی گردد، تنوع و گوناگونی بیشتری بخشیده است.

از سال‌های دهه ۱۹۸۰ مهاجرین کرد عراقی در انگلستان، سوئد، هلند و آلمان پناه گرفته‌اند. حدود ۷۵۰،۰۰۰ کرد ترکیه، نخست به صورت مهاجر اقتصادی و بعدها نیز به عنوان پناهنده سیاسی در آلمان مستقر شده‌اند. تجربه پناهندگی در میان کردهای ایرانی روال دیگری داشته است. در حالی که حدود ۱۵۰۰۰ نفر از اعضای سابق حزب دموکرات کردستان ایران در آلمان، انگلستان و برخی از کشورهای اسکاندیناوی پناه گرفته‌اند اکثر آنها به کردستان عراق گریخته، گروهی در اردوگاه‌های پناهندگان اقامت دارند و گروهی دیگر نیز فعالیت مخفی دارند. بسیاری دیگر نیز در نقاط مختلف ایران به کارگری مشغولند.

این تجارب مختلف پناهندگی، به انضمام پیش زمینه‌های تاریخی متفاوتی که در هر یک از حوزه‌های کردنشین در شکل‌گیری گونه‌های خاصی از ناسیونالیسم کردی مؤثر بوده‌اند، بیشتر باعث بروز تنوع و گوناگونی در پروژه‌های ناسیونالیستی کرد بوده است تا یکدستی و هماهنگی. ماهیت

غیرمتقارن شبکه‌های ماوراء ملی نیز به نوبت خود در کاستن از امکان حصول به دولتمداری کرد مؤثر بوده است.

کردهای عراق از حضور نیروهای خارجی و گشایش نظامی سیاسی کردستان عراق بهره‌مند شده‌اند. از جنگ ۱۹۹۱ خلیج فارس به بعد تعدادی از موسسات کمک‌رسانی بین‌المللی در این حوزه وارد شده و در بازسازی بخش خدمات و اقتصاد محلی کردستان عراق دخیل بوده‌اند.^۱ زمینه مساعد جهت تعامل میان فضای سیاسی محلی و عرصه تحولات فراملی، برای شبکه‌های مهاجر فرصتی فراهم آورده است تا دیدگاه‌های نظری، کمک‌های مالی و سازمان‌های سیاسی خود را به شمال عراق صادر کرده و بدین ترتیب در توسعه نهادهای ناسیونالیستی و تکثر سیاسی آن حوزه سهم داشته باشند. البته این نوع عرصه‌های جدید برای کردهای ترکیه نتایج مشابهی به دنبال نداشته است. کردهای ترکیه در عین حال که مشمول تعهدات اروپا نسبت به حقوق بشر و دیگر موارد ذیربط بوده‌اند ولی از لحاظ کسب موقعیتی جهانی، همپای کردهای عراق به پیش نرفته‌اند. در حالی که نخبگان و سازمان‌های ناسیونالیستی کرد عراق از نقطه‌نظر بین‌المللی و داخلی به میزانی از شناسایی و مشروعیت نایل شده‌اند، ناسیونالیست‌های کرد ترکیه نه در داخل و نه در خارج دستاورد قابل توجهی نداشته‌اند. کردهای ایران نیز از لحاظ فرصت‌های فراملی در وضعیتی به مراتب نازلتر از هر دو موارد پیشین قرار دارند. با توجه به محدودیت‌های حاکم بر گروه‌های ناسیونالیست کرد ایرانی، حضور این گونه گروه‌ها در مهاجرت بسیار کم‌رنگ شده است. بسیاری از آنها به جای آن که بر اساس یک ناسیونالیسم گسترده‌تر ایرانی و یا گرایشی پان کردی برنامه خود را پیش ببرند، ترجیح داده‌اند که با سازمان‌های فرهنگی ایرانی همراهی کنند.

حتی اگر کردها از تجارب مهاجرت مشابهی برخوردار بودند و در یک کشور میزبان واحد نیز گرد آمده بودند، باز هم از حمایت سازمانی فراملی لازم جهت نهادینه کردن دولتمداری کرد برخوردار نبودند.

شبکه‌های ماوراء ملی، هویت ملی کرد را بیشتر به سمت [مفاهیمی چون] «اقلیت»، «کارگر مهاجر» و «قریبانی بین‌المللی» سوق داده‌اند حال آن که فکر دولتمداری کرد در سطح بین‌المللی مشروعیتی کسب نکرده است. کنگره ملی کرد (KNK) شاید که در تاسیس یک فضای پارلمان گونه بین‌المللی که مجامع مختلف کرد را گرد آورده است، موفق بوده باشد ولی برای کسب مشروعیت لازم جهت پیشبرد فعالیت‌هایش در سطوح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نه از مبنای حقوقی برخوردار است و نه تحت حمایت دولتی خارجی قرار دارد.

با توجه به فقدان یک دولت کرد که از لحاظ حقوق بین‌المللی به رسمیت شناخته شده باشد و نظر به محدودیت‌های حاصل از نظام‌های جدید حقوقی و اداری، گروه‌های مهاجر کرد برنامه‌های ناسیونالیستی خود را در رابطه با فرصت‌های سیاسی موجود در کشورهای میزبان تنظیم کرده‌اند.^۵ برای مثال در آلمان فرهنگی - قومی، ناسیونالیسم کرد به سمت تأمین خواسته‌هایی چون تدریس زبان کردی در مدارس، کسب امتیازات رسانه‌ای برای زبان کردی و به رسمیت شناساندن کردها به مثابه یک جامعه مشخص فرهنگی - قومی معطوف بوده است. در انگلستان چند فرهنگی، خواسته‌های کردهای ناسیونالیست بیشتر تحت‌الشعاع مزایا و محدودیت‌های نهفته در نظام سیاسی غیرمتمرکز بریتانیا بوده است که در عین تفویض خودمختاری محلی به جوامع کرد، مسئولیت اداره مجموعه‌ای از خدمات اجتماعی را چون برنامه‌های مسکن، بی‌کاری، آموزش و تدریس زبان نیز به خودشان محول می‌سازد. در فرانسه ژاکوبین و سکولار، گروه‌های مهاجر کرد خواسته‌های ملی خود را با توجه به محدوده وسیعتر جامعه جذب‌کننده فرانسه و کسب برگه اقامت، حق کار و موقعیت پناهندگی، تعریف کرده‌اند.

علاوه بر این، رابطه موجود میان کشور مادر و کشور میزبان نیز به نوبت خود بر وضعیت مجامع مهاجر تأثیر می‌گذارد. توسعه دامنۀ تحولات سیاسی ترکیه به آلمان، در کنار فضای سیاسی بسته در ترکیه باعث رواج موج جدیدی از تحركات سیاسی در میان جوامع ملی‌گرای علوی، سنی و کرد شده است که مشابه آن در میان [مجامع مهاجر] کردهای ایران یا عراق مشاهده نمی‌شود. و بالاخره آن که اندیشه یک ناسیونالیسم پان کردی در چارچوب فراملی، فرصت چندانی جهت نیل به یک سطح نظری، سیاسی و سازمانی نداشته است. بلکه برعکس ساختارهای فرصتی فراملی بیشتر به ایجاد یک مجمع سیاست‌گذاری کرد و نهادینه‌سازی مجموعه‌ای از هنجارهای هوادار کرد شده است که بر اساس موازین دموکراتیک و حقوق بشر استوار می‌باشند. ناسیونالیست-های کرد به جای هواداری از گروه‌های تندرو مانند پ‌ک‌ک و یا تقاضای تاسیس یک دولت کرد با بسیج نیرو در امتداد [فعالیت‌های] مجموعه‌ای از سازمان‌های فراملی تحركات اجتماعی^۶ که در نتیجه دموکراتیزد شدن و رشد مشارکت عمومی در فرایند سیاست بین‌المللی شکل گرفته‌اند، به فعالیت‌های خود مشروعیت بیشتری بخشیده‌اند.^۷ کردهای ترکیه برای پیشبرد خواسته‌های ملی خود به پارلمان اروپا و دیوان بین‌المللی عدالت متوسل شده‌اند و کردهای عراقی نیز به دولت آمریکا و سازمان ملل چشم دوخته‌اند که در تطابق با مبارزه بر علیه سلاح‌های کشتار جمعی، آنها را در سطح قربانیان بین‌المللی این‌گونه تسلیحات شناسایی کرده‌اند. ولی حتی در این چارچوب نیز کردهای عراق

تضمینی دال بر ادامه حمایت دولت آمریکا یا جامعه جهانی ندارند و این خود می‌تواند اعتبار برنامه ملی آنها را در یک دولت آتی عراق خدشه‌دار سازد.

نتیجه‌گیری

شبکه‌های فراملی به گونه چند وجهی و متکثری از ناسیونالیسم کردی میدان داده و اندیشه دولتمداری کرد را با یک توان آزمایشی جدی روبرو کرده است. پروژه‌های ناسیونالیستی کرد نه فقط از درون عراق، ترکیه و ایران بلکه از کشورهای میزبان مختلفی که مجامع مهاجر کرد را پذیرا هستند نیز طرح و بحث می‌شود.

این تنوع و تکثر حاصل تعارضات درونی و یا بازتاب ماهیت متشکست جامعه و سیاست کرد نیست بلکه در کنار تجارب تاریخی متفاوتی که در هر کشور به ناسیونالیسم کردی آن حوزه شکل داده است نتیجه طبیعی تنوع و تکثر نهفته در ساختارهای فرصتی خارج از مرزهای قلمروی دولت‌های مزبور نیز محسوب می‌شود.

یادداشت‌ها:

* این مقاله در اصل با مشخصات زیر منتشر شده است:

Denis Natali, "Transnation Networks: New Opportunities and Constraints for Kurdish Statehood", *Middle East Policy*, Vol. XI, No.1, Spring, 2004, pp. 111-114

¹ Arjun Appadurai, *Modernity at Large Cultural Dimensions of Globalization* (Minneapolis and London: University of Minnesota Press, 1996), pp. 198-99; and Richard Munch, *Nation and Citizenship in the Global Age: From National to Transnational Ties and Identities* (London and New York: Palgrave, 2001): pp. 13-17.

² See Denise Natali, "Transnationalizing Kurdish Nationalism in Iraq," *The Future of Kurdistan and Iraq*, eds. Brendan O'Leary, John McGarry, and Khaled Salih (Philadelphia: University of Pennsylvania Press, forthcoming).

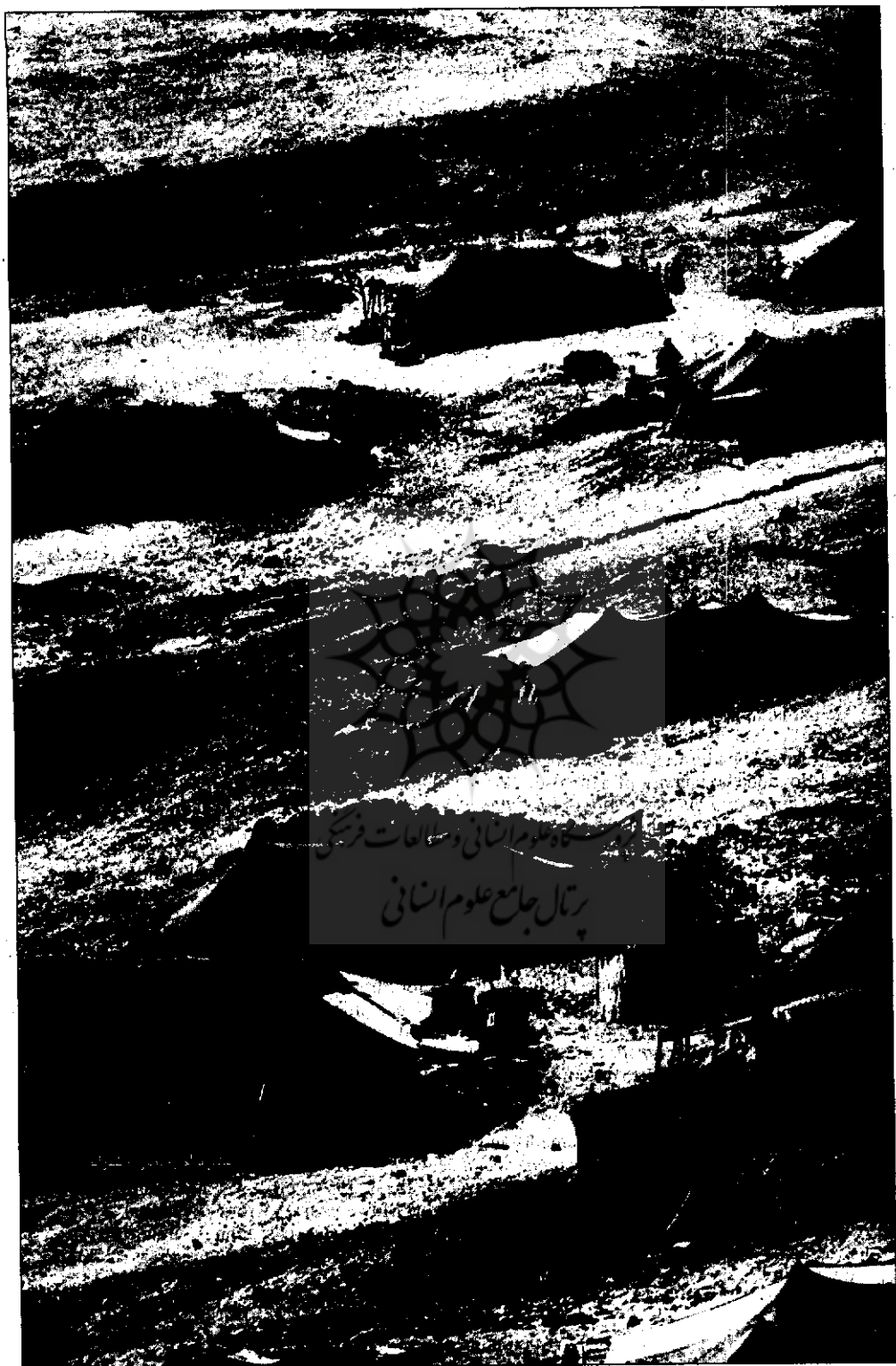
³ Stanley Tambiah, "Transnational Movements, Diaspora, and Multiple Modernities," *Daedalus*, No. 129, Winter 2000, p. 163.

⁴ Denise Natali, "International Aid, Regional Politics, and the Kurdish Issue in Iraq after the Persian Gulf War," (Abu Dhabi: Emirates Center for Strategic Studies and Research, 1999).

⁵ Ruud Koopmans and Paul Statham, "How National Citizenship Shapes Transnationalism: A Comparative Analysis of Migrant Claims - Making in Germany, Great Britain, and the Netherlands," *Revue Europeenne des Migrations Internationales*, Vol. 17; and Gaia Danese, "Transnational Collective Action in Europe: The Case of Migrants in Italy and Spain," *Journal of Ethnic and Migration Studies*, Vol. 24, No. 4, pp. 715-17.

⁶ TSMO

⁷ Louis Kriesberg, "Social Movements and Global Transformation," *Solidarity beyond the State: The Dynamics Of Transnational Social Movement*, eds. Jackie Smith, Charles Chatfield and Ron Pugnacco (Syracuse: Syracuse University Press, 1997), pp. 4-5; Patrick Ball, "State Terror, Constitutional Traditions and Human Rights Movements: A Cross - National Quantitative Comparison" *Globalization and Social Movements*, eds. John A. Guidry, Michael D. Kennedy, and Mayer N. Zald (Ann Arbor, University of Michigan Press, 2000), pp. 55-56.



پتال جامع علوم انسانی و سماوات رنگ
پتال جامع علوم انسانی